

## جایگاه نهج البلاغه

# در اندیشه سیاسی اسلام

(از آرمان تا واقعیت)

این مقاله به بررسی نقش امام علی علیه السلام در اندیشه سیاسی اسلام می پردازد؛ از این رو ابتدا مروری بر تألیفات انجام شده در موضوع اندیشه سیاسی اسلام خواهیم داشت و جایگاهی را که این تألیفات برای آن حضرت، قائل شده اند، بررسی خواهیم کرد؛ سپس با استفاده از روش های تفسیری سعی خواهد شد زمینه ای برای فهم هر چه بیشتر جایگاه اصلی آن حضرت در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام فراهم آوریم؛ بنابراین هدف اصلی در این مقاله ارائه روش تحلیلی درست برای بررسی تاریخ اندیشه سیاسی اسلام است. در پایان به مؤلفه های اندیشه سیاسی از دیدگاه آن حضرت اشاره مختصری خواهد شد.

یکی از ضرورت های اجتناب ناپذیر پژوهش در تاریخ اندیشه سیاسی، برخورد گزینشی با اندیشمندان سیاسی اسلام و به عبارت دیگر، لزوم انتخاب برخی از متفکران و شرح و بسط نظریاتشان است و به همین دلیل پژوهشگرانی که در اندیشه سیاسی اسلام به تحقیق مشغولند، در بررسی های خود مجبور به انتخاب شده اند و

به بررسی آرای بعضی از متفکران مسلمان بسنده کرده‌اند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل دخیل در این‌گزینه‌ش، اتخاذ روش تحلیلی است که محقق در پرتو آن به بررسی اندیشه سیاسی اسلام می‌پردازد. اتخاذ روش تحلیلی توسط محقق همانند استفاده از چراغی است که به ناچار فقط برخی از مواضع را روشن خواهد کرد و سایر مواضع را در تاریکی باقی خواهد گذاشت؛ در نتیجه این بررسی‌ها، نقش برخی از متفکران تاریخ اندیشه سیاسی اسلام برجسته‌تر شده و برخی دیگر در سایه قرار می‌گیرند و ناشناخته خواهند ماند و به همین دلیل است که انتخاب روش تحقیق یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که محققان تاریخ اندیشه سیاسی اسلام نباید از آن غفلت کنند. هدف از این نوشتار، اتخاذ روش تحلیلی است که در پرتو آن بتوان نقش امام علی را در تاریخ اندیشه سیاسی اسلام بیشتر تبیین و بررسی کرد.

### بررسی منابع موجود

علاقه‌مندان به تاریخ اندیشه سیاسی اسلام با مطالعه تألیفاتی که اخیراً در این موضوع انجام شده، دچار تعجب خواهند شد، زیرا در این تألیفات به نقش و جایگاه پیشگامان صدر اسلام و امام علی در تاریخ اندیشه اسلامی پرداخته نشده است و همان‌گونه که توضیح داده شد، این مسأله به دلیل انتخاب روش‌های تحلیلی نادرستی است که نویسندگان این کتب داشته‌اند؛ برای نمونه مروری به چند تا از این منابع می‌کنیم:

سید جواد طباطبایی با طرح نظریه انحطاط و با استفاده از چارچوب نظری مبتنی بر عقل مدرن غربی، متفکران مسلمان را در سه دسته فیلسوفان سیاسی، شریعت‌نامه‌نویسان و سیاست‌نامه‌نویسان تقسیم می‌کند. از دیدگاه وی اندیشه فلسفی سیاسی جهان اسلام در ادامه فلسفه سیاست یونان و غرب است:

گفته‌اند که سیاست - حتی به معنایی که در دوره جدید فهمیده شده - از نوآوری‌های یونانیان بوده است، همچنان که فلسفه، یعنی اندیشه عقلانی غیر ملتزم به ادیان و اسطوره‌ها را نخستین بار یونانیان تأسیس کردند و در واقع تاریخ

فلسفه اعم از مسیحی، اسلامی و... به معنای دقیق کلمه جز تاریخ بسط فلسفه یونانی در میان اقوام دیگر نبوده است. تاریخ اندیشه فلسفی درباره سیاست نیز به هر حال تاریخ بسط فلسفه سیاسی یونانیان در میان این اقوام است.<sup>۱</sup>

با توجه به این دیدگاه، اندیشه فلسفی سیاست با ورود اندیشه و فلسفه یونان و ترجمه‌ها به جهان اسلام آغاز می‌گردد و مسلمانان پیش از این دوره، فاقد هرگونه اندیشه فلسفی درباره سیاست بوده‌اند. طباطبایی از اندیشمندان فلسفه سیاست به فارابی، ابن سینا و سایر فلاسفه بعد از آنان اشاره می‌کند و به بررسی اندیشه سیاسی آنان می‌پردازند. اشکالی که در این روش از بررسی اندیشه اسلامی وجود دارد آن است که در این روش، جایگاه اصلی عقل و فلسفه و حکمت عملی در غرب دانسته شده و مسلمانان ناقلان فلسفه تلقی شده‌اند؛ ناقلائی که به فهم کامل فلسفه غرب نایل نیامدند و این فهم ناقص نیز به تدریج به زوال گرایید. حکمت عملی و اندیشه سیاسی بعد از فارابی با توجه به شرایطی که در جهان اسلام به وجود آمد، به انحطاط و زوال گرایید. طباطبایی در این مورد می‌نویسد:

ابونصر فارابی نخستین و بزرگ‌ترین نماینده حکمت عملی در تمدن ایرانی، تا جلال الدین دوانی که آخرین نماینده با معنای حکمت عملی و همین‌طور نشانگر زوال و انحطاط آن است.<sup>۲</sup>

در این دیدگاه هر چه از فارابی فاصله بگیریم، نشانه‌ها و علایم زوال اندیشه سیاسی در متفکران متأخر بیشتر مشاهده می‌گردد. فرهنگ رجایی در کتاب *معرکه جهان بینی‌ها* سعی می‌کند با استفاده از رهیافتی که خود آن را «رهیافت سیاست» می‌نامد و آن را در ادامه روش تحلیلی ارسطو می‌بیند، به فهم دقیق‌تر اندیشه سیاسی در ایران قبل و بعد از ظهور اسلام بپردازد. از نظر او در هر دو دوره قبل و بعد از اسلام، جهان بینی غالب در سیاست، جهان بینی خیمه‌ای بوده است.<sup>۳</sup> وی با استفاده از این رهیافت به معرفی پنج قالب فکری می‌پردازد که عبارتند از شیوه فقاهتی، شیوه ادبا (اندرزنامه نویسی)، شیوه تاریخی، شیوه عرفانی و شیوه فلسفی.<sup>۴</sup> وی در هر یک از این قالب‌ها به بررسی نمونه‌هایی از متفکران مسلمان

دورهٔ میانه پرداخته است.

همچنین روزنتال با تقسیم سه گانه مشهور خود، که به صورت الگویی برای خوانندگان و پژوهشگران اندیشه سیاسی در ایران در آمد، به بررسی سه گروه در اندیشه سیاسی اسلام می پردازد که از آنها با عناوین اندیشه سیاسی فلسفی، اندیشه سیاسی فقهی و سیاست نامه نویسی (آیین شهریاری) یاد می کند. وی با این الگو به بررسی اندیشه سیاسی مسلمانان پرداخته است، ولی این نویسنده نیز همانند دیگران نامی از امام علی بن ابی طالب و منش و جایگاه حضرت در اندیشه سیاسی اسلام نمی برد؛ البته این تقسیم بندی نیز خالی از اشکال نیست و دارای اشکالات روش شناسی و غفلت از محتوای درونی اندیشه سیاسی دوره میانه اسلامی می باشد.

حاتم قادری در کتاب *اندیشهٔ سیاسی در اسلام و ایران* بدون آن که متعرض روش تحلیلی و نظریه ای خاص برای بررسی اندیشه سیاسی اسلام و ایران شود، سه منبع برای اندیشه سیاسی اسلامی بر می شمرد که عبارتند از:

۱. سنت های حکومتی و ملکداری ایران باستان؛
۲. فلسفه و به ویژه فلسفه سیاسی یونان باستان؛
۳. رفتارهای ریشه دار و آداب و باورهای اعراب.<sup>۵</sup>

به نظر قادری، اندیشه سیاسی اسلام از این سه منبع مذکور، تغذیه کرده و تکوین پیدا کرده است. وی از قرآن و حکمت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و متفکران صدر اسلام به عنوان یکی از منابع نام نمی برد و به همین دلیل اندیشه سیاسی امام علی از نظر او پوشیده مانده است. اشکال این کتاب در این است که تأثیر دین اسلام و فرمان های قرآن و پیامبر را بر جامعه مسلمانان و فرهنگ سیاسی آن نادیده انگاشته است، حال آن که در بررسی های جامعه شناختی، دین یکی از کانون های فرهنگساز مطرح است و نباید تأثیر دین را بر فرهنگ سیاسی جوامع نادیده گرفت. قادری در فصول مختلف این کتاب با تبعیت از گذشتگان، فقط به بررسی اندیشه سیاسی علمای اهل سنت (برای مثال ماوردی)، ملکداری و اندرزنامه نویسی (برای مثال خواجه نظام الملک

طوسی) و فلسفه سیاسی - اجتماعی (برای مثال فارابی و ابن سینا) اکتفا کرده و به تعلیمات پیامبر و امام علی برای جامعه اسلامی هیچ اشاره‌ای نکرده است. شاید علت عدم ذکر نام پیامبر و امام علی در منابع مذکور، تأثیرپذیری عمیق این تألیفات از مطالعاتی است که خاورشناسان از تاریخ اندیشه سیاسی اسلام داشته‌اند. نویسندگان ایرانی به جای بررسی و تحقیق در منابع اصلی اندیشه سیاسی اسلام با استفاده از نظریات غربی‌ها که مبتنی بر عقل مدرن است، به مطالعه آثار خاورشناسان اکتفا کرده‌اند و کمتر به منابع اصلی مراجعه کرده‌اند. در مواردی هم که مراجعه‌ای صورت گرفته در ادامه مطالعات مستشرقین و نظریات آنها و گزینشی بوده که از آنان به عاریت گرفته‌اند. اتکای این مطالعات بر روش‌های اثبات‌گرایانه و مأخوذ از عقل مدرن غربی به علاوه استفاده از برخی منابع (و عدم احاطه کامل بر کلیه منابع اصیل اسلامی) موجب شده است که مطالعات مستشرقین دارای کاستی‌های فراوانی از لحاظ روش و منابع اصلی باشد.

آنچه گذشت بررسی مختصری بود در محتوای متون درس اندیشه سیاسی اسلام و ایران. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که علاوه بر نویسندگان این متون، سایر مدرسان و دانشجویان این رشته‌ها نیز اطلاع ناچیزی در مورد جایگاه اندیشه سیاسی امام علی و نقش آن در تأسیس اندیشه عقلی (فلسفی) سیاسی دارند، و آن حضرت از این جهت (همانند سایر عرصه‌ها) ناشناخته مانده‌اند.

### روش تحلیلی پیشنهادی برای بررسی اندیشه سیاسی اسلام

در بررسی اندیشه سیاسی، روش غالب آن است که عقل سیاسی اسلام را ادامه عقل و تفکر سیاسی یونان دانسته‌اند. همان‌گونه که توضیح داده شد، برای این بررسی، ابتدا اندیشه سیاسی افلاطون، ارسطو و سپس در ادامه آن اندیشه سیاسی فلاسفه مسلمان را بررسی می‌کنند. در نبود روش تحلیل مبتنی بر نظریه‌های فلسفی اسلامی، محققان به ناچار از روش‌های تحلیلی غرب مدار استفاده کرده‌اند؛ همان‌گونه که سیدجواد طباطبایی در این مورد به درستی می‌نویسد: در نبود

نظریه‌ای برای تحلیل اندیشه سیاسی اسلام عملاً هر نوع تحلیل تاریخ اندیشه سیاسی اسلام ممتنع است. به هر حال باید مطالعات روشمند و از روش تحلیلی منطقی و مستدل برخوردار باشد.

روشی را که در این مقاله برای مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی اسلام پیشنهاد می‌شود، روشی است که اصالت را به متون دینی و قرآن مبین می‌دهد. از این دیدگاه عقل سیاسی اسلامی برخاسته از نصوص اسلامی و دایر مدار فهم متون دینی است. آغاز پیدایش مباحث عقلی در میان مسلمانان به نزول قرآن برمی‌گردد؛ به این معنا که مسلمانان جهت فهم آیات خداوندی به تعقل روی آورده‌اند. جاذبه قرآن از نظر عمق مفاهیم و در عین حال فصاحت و بلاغت و سادگی و روانی آن، تازه مسلمانان را به شدت مجذوب و مسحور خود می‌کرد و مسلمانان را به تعمق در آیات برای فهم هرچه بیشتر آن فرا می‌خواند. مسلمانان هستی خود را در گرو معرفت به قرآن و تأسی به گفتار و کردار پیامبر ﷺ می‌دیدند.<sup>۶</sup> هانری کربن پیدایش تعقل و فلسفه را نتیجه تأویل قرآن دانسته است. از دیدگاه او «نه تنها در حکمت شیعی بلکه در سراسر تاریخ فلسفه اسلامی قرآن منبع تأمل و تأویل فلسفی بوده است».<sup>۷</sup> نویسندگان بسیاری از جمله حنایف خوری، خلیل الجری<sup>۸</sup> و سعید شیخ<sup>۹</sup> به این نکته اذعان کرده‌اند. مورخان از بعضی مسلمانان و صحابی بزرگ پیامبر نام می‌برند که با شنیدن آیات قرآن، سعی در فهم آیات و معانی آنها می‌کردند. از این دیدگاه مسلمانان برای فهم حقیقت به نوعی پیامبرشناسی و بعد از پیامبر به بسط آن در نوعی امام‌شناسی پرداخته‌اند. در نبود پیامبر و امام، عقل و فلسفه مسؤولیت کشف این حقیقت را برعهده دارد، به این عبارت که مسلمانان با تأسی به پیامبر و با استفاده از تعقل و اجتهاد در متون، سعی در شناخت مفاهیم قرآنی و درک حقیقت آن کردند. با استفاده از این روش می‌توان عقل سیاسی مسلمانان را نتیجه تلاش و کوشش آنان جهت فهم قرآن دانست.

## شخصیت فکری امام علی علیه السلام

امام علی بعد از رحلت پیامبر مهم‌ترین وظیفه خود را جمع‌آوری، تدوین و آموزش قرآن برای تازه مسلمانان می‌دانستند. آن حضرت قبل و بعد از دوران خلافت با گفتار و رفتار خود الگویی عملی برای فهم آیات قرآنی در جامعه اسلامی بودند و گره‌گشای مشکلاتی که برای جامعه نوپای اسلامی به وجود می‌آمد. به گفته جرج جرداق مسیحی لبنانی امام علی عالم قدرتمندی است که محور فکری اسلام بوده و دائرةالمعارف جمیع علوم بوده است. وی در این مورد می‌نویسد:

علی بن ابی طالب در عقل و اندیشه یگانه و بی‌همتاست و به همین جهت محور فکری اسلام و جامع سرچشمه علوم عربی است به طوری که در میان عرب هیچ دانشی نیست مگر آن‌که علی آن را پایه‌ریزی کرده و یا در پیدایش آن سهیم و شریک بوده است... آن حقیقت انسانی که اساس همه فلسفه‌های مثبت است در مقابل فلسفه‌های منفی<sup>۱۰</sup>

خطابه‌ها، نامه‌ها و کلمات امام علی که برخی از آنها را سیدرضی (۳۵۹-۴۰۶ هـ)، گردآورنده نهج البلاغه) و برخی را اسکافی (در گذشته به سال ۲۴۰ هـ، صاحب کتاب المعیار و الموازنه) جمع‌آوری کرده، شاهدهی بر این نکته است که آن حضرت متفکری بی‌نظیر در فهم آیات قرآن و استنباط اصول و مبانی اندیشه‌های سیاسی اسلام و ارائه آنها به جامعه اسلامی است.

### فلسفه و نظریه سیاسی

در این جا لازم است به ویژگی‌ها و اختصاصات فلسفه و نظریه سیاسی اشاره مختصری بکنیم.

اشتراوس در کتاب «فلسفه سیاسی چیست» فلسفه سیاسی را شاخه‌ای از فلسفه دانسته و در تعریف فلسفه می‌نویسد:

فلسفه کوششی است برای نشان دادن معرفت به کل به جای گمان نسبت به کل و جستاری برای معرفت به همه چیز، به معنای جستار برای معرفت به خدا، جهان

و انسان و بلکه جستار برای معرفت به طبیعت هر چیز است.<sup>۱۱</sup>

همان‌گونه که می‌بینیم، هدف فلسفه جست‌وجو و کشف حقیقت است و همان‌طور که پیش‌تر گذشت، کشف حقیقت نزد مسلمانان به فهم و الهام از قرآن برای شناخت هستی و معرفت به آیات خداوند‌گره خورده است. فلسفه اسلامی با هدف کشف حقیقت که در قرآن می‌باشد، به تفسیر و فهم قرآن می‌پردازد و امام علی بعد از پیامبر عهده‌دار این وظیفه خطیر در جامعه اسلامی گردیدند. سخنان امام علی درباره شناخت هستی، شناخت انسان، معرفت‌شناسی، شناخت جامعه و سنت‌های الهی حاکم بر جوامع و شناخت دولت و حکومت و معاد و سرانجام انسان، خود الهام‌بخش مجموعه و منظومه هماهنگ فلسفی خاصی است که آن حضرت از فلاسفه‌ای همچون فارابی و ابن‌سینا بسیار فراتر رفته است. همین‌طور در این دیدگاه فلسفه سیاسی بخشی از فلسفه است که «مدار بحث فلسفه سیاسی اهداف عظیم بشری است آزادی حکومت یا فرمانروایی، اهدافی که می‌تواند بشر را از حد نفس فرومایه خویش ارتقاء دهد.<sup>۱۲</sup>

فرمایش‌های حضرت علی در مورد فلسفه سیاسی بخش زیادی از نهج‌البلاغه، کتاب الموازنه و المعیار اسکافی و احادیث فریقین را تشکیل می‌دهد. حال برای آن‌که با ویژگی‌های «نظریه سیاسی» آشنا شویم، اشاره‌ای خواهیم داشت به کتاب فهم نظریات سیاسی نوشته اسپریگنز. در این کتاب به ادعای نویسنده، آثار کلاسیکی مانند جمهور افلاطون که نمونه کامل از این لحاظ می‌باشند، در «جست‌وجوی ارائه تصویری جامع و نسبتاً منسجم از زندگی سیاسی هستند. واژه یونانی تئورین که کلمه تئوری از آن مشتق شده به معنای نظر کردن، توجه کردن و تعمق است. این دقیقاً همان کاری است که متفکران بزرگ و دیگرانی که چون آنها قرن‌ها به بحث و نظریات سیاسی پرداخته‌اند بشر را به آن دعوت می‌کنند. این متفکران نحوه نگرش را به انسان می‌آموزند که به طور کلی معنایش تصویر نمادین از یک کلیت نظم یافته است».<sup>۱۳</sup>

آنچه از فقره فوق فهمیده می‌شود و مد نظر این مقاله است، هدف نظریه پرداز



سیاسی است. این هدف عبارت است از آن‌که نظریه پرداز سیاسی در سایه مطالعاتش از هستی، سرشت آدمی و دیگر خصوصیات جهان پیرامونش که به منزله مواد خامی برای مطالعه او هستند سیاست را توصیف می‌کند.<sup>۱۴</sup> سیاست بخشی از یک منظومه بزرگ‌تر است که از نگرش انسان به هستی، به انسان و... ناشی می‌شود. متفکران مسلمان در دوره میانه نیز برای شناخت سیاست مبادی را لازم دانسته‌اند. نظریه سیاسی مشتمل بر فلسفه و مجموعه منظوم و هماهنگ است که از شناخت هستی به عنوان مبادی، آغاز و به جزئیات مسائل سیاسی منتهی می‌شود؛ به طوری که این جزئیات، ریشه در آن کلیات و مبادی دارد و با آن در هماهنگی کامل است. اگر ارائه چنین منظومه‌ای را لازمه «نظریه» سیاسی و از اختصاصات «فلاسفه» و متفکران بدانیم، امام علی به گواهی تاریخی بسیار زودتر از دیگر متفکران مسلمان دیدگاه‌های خود را برای مردم بیان کرده‌اند و در ادامه سنت نبوی مردم را با حقایق و مفاهیم عمیق قرآن آشنایی داده‌اند و شاید نوعی کم‌لطفی باشد که ما در بررسی تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی، از آموزش دیدگان این مکتب فکری نام ببریم و از استادان و بنیان‌گذاران آن غافل باشیم؛ بسیار ناپسند است این‌که جوانان و نوجوانان علاقه‌مند به اندیشه سیاسی اسلام از اندیشه سیاسی بزرگان و استادان مکتب اسلام، آگاهی نداشته باشند.

نکته دیگری که در مورد اندیشه سیاسی امام علی و دیگر متفکران مسلمان، و با توجه به روش تحلیلی پیشنهادی، قابل ذکر است، عدم امکان تفکیک بین فلسفه و فقه سیاسی است. همین‌طور اندرزنامه‌ها هم مبتنی بر نوعی نگرش کلی است که قابل تفکیک از اندیشه سیاسی مسلمانان نیست و همه اینها به شدت متأثر از متون اسلامی می‌باشند. متفکران مسلمان بعضاً هم دارای کتاب‌هایی در اندرزنامه نویسی (نصیحة الملوک) و هم کتاب‌هایی از سنخ فقه سیاسی می‌باشند؛ برای شاهد مثال از متفکرانی، مانند غزالی، ماوردی و خواجه نصیرالدین طوسی می‌توان نام برد. همچنین فلسفه و فقه هم در اندیشه سیاسی متفکرانی که هر دو صبغه را دارند، به راحتی قابل جدایی و انفکاک نیست و متفکران مسلمان آن دو را با هم سازگار و

در یک منظومه کلی می دیده‌اند؛ دیدگاه‌های فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، غزالی و... از این نظر قابل بررسی است. اینان فلسفه و کلام و اصول فقه - که آن را نوعی فلسفه خاص اسلامی می دانیم - را به عنوان مبادی و مقدمه لازم برای ورود به فقه سیاسی دانسته‌اند. فارابی زمانی که از علم مدنی نام می‌برد، آن را اعم از فلسفه و فقه سیاسی دانسته است و در کتاب *الملة* در نبود رئیس اول، وجود رئیس آشنا به فقه (که فقیه است) و سنت را تجویز کرده است.

به هر حال، تمامی تلاش‌های فکری و عقلی در جهان اسلام بازگشت به قرآن دارد و این تلاش‌ها با هدف فهم قرآن از همان ابتدا آغاز شد و روز به روز گسترش یافت و نقش شخصیتی همانند امام علی در این مورد قابل انکار نیست. اندیشه سیاسی اسلام هم از این قاعده مستثنا نیست و این در زمانی بود که هنوز نهضت ترجمه آغاز نشده و مسلمانان با اندیشه‌های سایر ملت‌ها آشنا نشده بودند. بعد از آشنایی مسلمانان با سایر ملل، گسترش سرزمین‌های اسلامی و ترجمه کتب هندی، یونانی و ایرانی، مسلمانان از این فرصت نیز استفاده کرده بر گنجینه اطلاعات و دانش و اندیشه سیاسی خود افزودند و از دانش‌های جدید برای فهم هر چه بیشتر وحی استفاده بردند.

### هستی‌شناسی و سیاست

چنانچه پیش‌تر آمد، اندیشه سیاسی ریشه در نگرش انسان به هستی و انسان دارد و به تبع هستی‌شناسی بر سیاست تأثیر به‌سزایی دارد. اگر سیاست و حکومت را موجودی عینی یا اعتباری بدانیم، به هر حال بخشی از مجموعه کل هستی است و جزئی از این منظومه محسوب می‌شود. سیاست در کجای این مجموعه عظیم قرار دارد؟ اگر هستی را دارای نظم و هماهنگی و هدفمند بدانیم، سیاست نیز به عنوان جزئی از این کل باید دارای نظم و هدف باشد؛ هدفی که کل هستی برای آن خلق شده است. خداوند - جل جلاله - در مورد هدف از خلقت هستی می‌فرماید:

الله الذی رفع السماوات بغير عمد ترونها ثم استوی علی العرش و سخر

الشمس و القمر كل يجري لأجل مسمى يدبر الأمر يفصل الآيات لعلكم

بلقاء ربكم توقنون. ۱۵

امام علی علیه السلام می فرماید: «لو فكرو في عظيم القدرة و جسيم النهمة لرجعوا إلى الطريق». اگر هستی شناخته شود و هدف از خلقت آن دانسته شود، وجود خداوندی که امر و خالق است و سایر موجودات که فرمانبر و مأمورند، خود الگویی می شود که سیاست را راهبری و هدایت می کند.

### انسان شناسی و سیاست

یکی دیگر از مبادی سیاست، انسان شناسی است. سیاست و حکومت به عنوان پدیده ای انسانی، بخشی از نظام اجتماعی انسانی است که همه اینها بخشی از هستی و کل موجودات هستند. ادامه بحث از هستی و شناخت آن، انسان شناسی است که در شناخت از سیاست تأثیر دارد. انسان چگونه موجودی است؟ موجودی پست و حیوان گونه، درنده خو، شریر و یا اشرف موجودات و صاحب کرامت و شرافت؟ آیا آزادی و اختیار دارد یا آن که مجبور و مسلوب اختیار است؟ پاسخ به این سؤالات در شناخت سیاست تأثیر بسیار زیادی دارد.

خداوند در قرآن در مورد انسان می فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی البرّو البحر...» و یا «لقد عرضنا الأمانة».

انسان از دیدگاه امام علی موجودی آزاد و مختار است که خداوند به او عقل داده است. انسان باید از این عقل جهت شناخت حق از باطل استفاده کند و عقل همانند رسولی باطنی است که حجّت را بر انسان تمام می کند، ولی با همه اهمیتی که برای عقل قائل شده آن را ناکافی دانسته اند و نیاز به رسول ظاهری را لازم دانسته اند و می فرمایند:

فبعث فیهم رسله و و أنزل إلیهم أنبیاءه لیستأدوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسی نعمته و یحتجّوا علیهم بالتبلیغ و یثیرولهم دفائن العقول و یروهم الآیات المقدرّة من سقف فوقهم مرفوع و مهاد تحتهم موضوع و معایش تحییهم. ۱۶

هدف از بعثت انبیا بیدار کردن فطرت و آشکار کردن گنجینه‌های عقول مردم است. اگر پیامبر برای انداز بشر نیاید، انسان در خواب غفلت باقی خواهد ماند و از عقل خود استفاده نخواهد کرد.

### معرفت‌شناسی و سیاست

معرفت‌شناسی نیز مبتنی بر انسان‌شناسی است و از نحوه نگرش به انسان ناشی می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر آمد، از دیدگاه امام علی، انسان برای شناخت علاوه بر رسول باطنی که خود ابزارهایی مانند عقل، فطرت، علم شهودی و شناخت استقرایی (با تعبیرات مختلفی که از آن یاد شده است) دارد، نیاز به رسول ظاهری و پیامبران صلوات الله علیهم دارد، و مسلم است که این دو کانون معرفتی مکمل همدیگر بوده و نظری خلاف یکدیگر صادر نمی‌کنند. هر چه رسول ظاهری حکم کند، به مثابه تأییدی بر رسول باطنی است و رسول باطنی (در صورت سلامت نفس) به همان احکامی خواهد رسید، که رسول ظاهری دستور به اجرای آنها می‌دهد.

### سیاست از دیدگاه امام علی علیه السلام

با توجه به آثار برجامانده از آن حضرت، جامعه و سیاست نیز به تبع هستی‌شناسی و انسان‌شناسی آن حضرت هدفمند است و برای سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌باشد. امام علی در مورد مفهوم حکومت، ضرورت حکومت، مشروعیت آن، حق حکومت و اهداف حکومت به صورت مبسوط فرمایش‌هایی داشته‌اند که در کتب حدیث و تاریخ آمده است. همچنین وظیفه و نقش مردم در قبال حکومت، رابطه زمامداران با مردم و شروط زمامداری و نحوه سلوک آنها از دیگر مطالبی است که انسان را به خود جلب می‌کند، زیرا در زمانی که مردم محلی از اعراب نداشتند، آن حضرت در مورد حقوق آنها و وظایف والی برای مردم سخن می‌گویند و مأموران خود را به انجام دادن آن امر می‌کنند. در این جا به اختصار به ارائه‌های حدیثی در این موضوعات می‌پردازیم.

## مفهوم حکومت

حضرت در نامه‌ای به اشعث بن قیس والی آذربایجان می‌فرماید:

همانا کاری که به عهده‌تو است، طعمه‌ای برایت نیست، بلکه امانتی است برگردنت... این حق برای تو نیست که در میان مردمان به استبداد و خود رأیی عمل نمایی... ۱۷.

حکومت از دیدگاه آن حضرت، یا حق است یا باطل، یا برای اقامه عدل و حقوق مردم است و یا آن که استبدادی و خود رأیی و خود را در جایگاه خدا دیدن، که به شدت مورد نهی و انکار آن حضرت می‌باشد. در مورد هدف از حکومت می‌فرماید:

پروردگارا، تو خود می‌دانی که آنچه از ما سر می‌زند، هرگز برای چشم و همچشمی درباره حکومت و قدرت نبوده است و نه در جست‌وجوی چیزی از فزونی چیزهای بی‌ارزش این جهانی، بلکه برای این است که راه‌های دین تو را به حال خود برگردانیم و صلاح را در سرزمین‌های تو آشکار سازیم و بندگان ستم‌دیده‌ات زینهار یابند و به احکام و آیین و فرایض تو عمل شود. ۱۸.

آن حضرت در مواجهه با خوارج، حکومت را برای جوامع ضرورت داشته و وجود آن را به هر صورت که باشد - و لو آن که عادل نباشد - بر عدم آن ترجیح داده‌اند:

اینان می‌گویند فرمانروایی و حکومت، جز برای خدا روا نیست، در حالی که مردمان را حاکمی باید، نیکوکار یا تبه‌کار. ۱۹.

حکومت مشروع، حکومتی است که برخاسته از حق حاکمیت مطلق خداوند بر جهان (هستی‌شناسی) و انسان (انسان‌شناسی) باشد و این حکومت جز با خواست و اقبال مردم امکان تحقق نمی‌یابد. وظیفه حکومت، اجرای عدل، تأمین امنیت، رفاه و تربیت مردم است و جهت تحقق این اهداف، زمامداران باید صلاحیت داشته باشند و واجد شروطی از قبیل درایت، معرفت، عدالت، قدرت و سلامت

نفس و بدن باشد تا توانایی تأمین اهداف حکومتی را داشته باشند.

در مورد وظایف حکومت می‌فرمایند:

هرگاه پیشوا بر رعیت ستم کند، رعیت را بر او حجّت خواهد بود. آگاه باشید دست به دامن امام عادل زنید و از آن کسی که شما را هدایت می‌کند و گمراه نمی‌سازد امور خود را فراگیرید که او دستگیر استوار و قابل اعتماد است. ای مردم، بر امام چیزی جز امری که از سوی خداوندش بر عهده او گذاشته شده نیست، یعنی کوتاهی نکردن در اندرز دادن و کوشش کردن در خیرخواهی و زنده کردن سنت و برپاداشتن حدود و رساندن سهم بیت المال به کسانی که مستحق آن هستند و اظهار حجّت دربارهٔ پیمان‌ها و نیکی کردن و مهربانی بر همه مسلمان‌ها... ۲۰

آنچه گذشت، ارائه چارچوبی کلی از اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام بود و هدف از این کار، اثبات این نکته بود که آن حضرت از سایر متفکران مسلمانی که در منابع اندیشه سیاسی از آنان یاد می‌شود، اندیشه سیاسی بسیار دقیق و منظم‌تری دارند که از هستی‌شناسی آغاز و تا جزئیات مسائل سیاسی را در بر می‌گیرد، ولی به دلیل روش‌های تحلیلی نادرستی که بر مجامع علمی جهان اسلام غالب است و میراث روش‌های اثبات‌گرایانه مطالعات خاورشناسان در این موضوع است، ما از گنجینه‌ها و منابعی همچون امام علی در غفلت مانده‌ایم و به شناخت اندیشه سیاسی آنان در کلاس‌های درس اندیشه سیاسی نمی‌پردازیم. امید است این نوشتار مقدمه‌ای برای ارائه نظریه و روشی برای تحلیل تاریخ اندیشه سیاسی اسلام باشد که در پرتو آن شاهد چنین کاستی‌هایی در متون اصلی درس اندیشه سیاسی اسلام و ایران نباشیم.

سید محمد رضا شریعتمدار

## پی‌نوشت‌ها

۱. سید جواد طباطبایی، *زوال اندیشه سیاسی در ایران* (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۳) ص ۱۵.
۲. سید جواد طباطبایی، *در آمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران* (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸) ص ۱۱۳.
۳. فرهنگ رجایی، *معرکه جهان بینی‌ها* (تهران: احیاء کتاب، ۱۳۷۳) ص ۱۱.
۴. همان، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.
۵. حاتم قادری، *اندیشه سیاسی اسلام و ایران* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸) ص ۳.
۶. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: هانری کورین، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه سیدجواد طباطبایی (تهران: کویر، ۱۳۷۳).
۷. حسن سیدعرب، *در احوال و اندیشه‌های هانری کورین* (تهران: انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران، انتشارات هرمس، ۱۳۷۹) ص ۲۹.
۸. حناالفاخوری و خلیل الجبر، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی (تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷).
۹. سعید شیخ، *مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی*، ترجمه محقق داماد (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۹) ص ۲۲.
۱۰. نصرت فخری لنگرودی، *علی‌علیه اعجاز خلقت* (قم: مشهور، ۱۳۷۸) ص ۳۹-۴۱.
۱۱. لویی اشتراوس، *فلسفه سیاسی چیست*، ترجمه فرهنگ رجایی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳) ص ۳.
۱۲. لویی، همان.
۱۳. توماس اسپریگنز، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی (تهران: انتشارات آگاه) ص ۱۸.
۱۴. همان، ص ۲۲.

- 
۱۵. رعد (۱۳) آیه ۲.
۱۶. محمد عبده، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷.
۱۷. محمد رضا حکیمی و دیگران، الحیاة، ج ۳، ص ۶۴.
۱۸. ابو جعفر محمد بن عبدالله اسکافی معتزلی، المعیار و الموازنه، ترجمه مهدوی دامغانی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۴) ص ۲۳۲.
۱۹. نهج البلاغه، کلام ۴۰.
۲۰. محمد بن عبدالله اسکافی، پیشین، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.